

نویسنده: والدن بلو (Walden Bello).

منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2020-9-20» .

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

-----[103]-----

مرگ نیولیبرالیزم

The Death of Neoliberalism

ویروس کرونا؛ ویروس سیستم اقتصادی؛ جهانی را که از قبل بی ثبات شده بود و از بحران عمیق مشروعت رنج می برد بیشتر از آن خروشانند و به

فریاد آورد



مداخلات گسترده مالی و پولی اخیر دولت های سرمایه داری، اگرچه ناکافی است، اما آنچه که تحت سیستم دیگری با اولویت ها و ارزش های مختلف امکان پذیر است آنرا برای مردم تأکید کرده است. (عکس: جانی وایت / سی سی / فلیکر)

پاسخ به فاجعه ناشی از ویروس کرونا ، سه طرز تفکر در حال ظهور است که مربوط به سه سناریوی GTI (علامت گذاری در یک اتومبیل با عملکرد بالا با موتور تزریق سوخت) است:

نیروهای بازار ، اصلاح سیاست و انتقال بزرگ.

سطح نارضایتی و بیگانگی با نئولیبرالیسم قبل از شروع ویروس کرونا در شمال کره جنوبی بسیار زیاد بود ، به دلیل عدم توانایی این نهاد در معکوس کردن کاهش سطح زندگی ، زیرا نابرابری در دهه مهیب پس از بحران مالی افزایش یافت.

یک طرز تفکر معتقد است ، اگرچه شرایط اضطراری اقدامات فوق العاده ای را ضروری می کند ، اما ساختار اساسی تولید و مصرف سالم است و مشکل در تعیین لحظه ای است که شرایط می تواند به "حالت عادی" برگردد. این نظر اکثر غالب نخبگان سیاسی و تجاری است.

پاسخ دیگر این است که ما اکنون در "وضعیت جدید طبیعی" به سر می بریم ، و در حالی که سیستم اقتصادی جهانی به طور قابل توجهی از فشار خارج نیست ، باید تغییرات مهمی در برخی از عناصر آن ایجاد شود ، مانند طراحی مجدد محل کار برای تأمین نیاز به فاصله اجتماعی ، تقویت سیستم های صحت یا بهداشت عمومی و حتی حرکت به سمت "درآمد پایه جهانی".

واکنش سوم ، در همه گیرها فرصتی برای تحول در سیستمی است که دارای نابرابری های اقتصادی و سیاسی عمیق و بی ثبات سازی اکولوژیکی است. ضرورت این نیست که یک "عادی جدید" یا حالت نوماال جدید" را در خود جای دهیم بلکه باید قاطعانه به سمت یک سیستم اقتصادی از نظر کیفی جدید حرکت کنیم. در شمال کره شمالی ، تحول مورد نیاز اغلب به صورت تقاضاهای "معامله جدید سبز" بیان می شود که با اجتماعی شدن قابل توجه تولید و سرمایه گذاری ، دموکراتیک سازی تصمیم گیری اقتصادی و کاهش شدید نابرابری درآمد مشخص می شود. در جنوب کره جهانی ، استراتژی های پیشنهادی بر فرصت ارائه شده توسط همه گیر برای مقابله با نابرابری های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی عمیق تأکید می کنند.

این زمان واقعاً متفاوت است:

دو دیدگاه اول امکان تغییرات بنیادی را نادیده می گیرند. فرض ضمنی این است که واکنش مردمی در طی بحران مالی سال « 2008 » بسیار زیاد خواهد بود ، در حالی که مردم احساس بی محلی می کنند اما اشتها یی برای تغییر بنیادی ندارند. این دیدگاه اشتباه است.

همیشه بحران ها به تغییرات قابل توجهی منجر نمی شوند. این هم افزایی بین یک شرایط عینی (به عنوان مثال ، یک بحران سیستمیک) و یک واکنش ذهنی (به عنوان مثال ، پاسخ روانشناختی) تعیین کننده است. بحران مالی جهانی 2008 یک بحران عمیق

سرمایه داری بود ، اما شرایط ذهنی بیگانگی مردم با سیستم هنوز به جرم بحرانی نرسیده بود. رونق ایجاد شده توسط هزینه های مصرفی که توسط بودجه تأمین می شود باعث شد مردم در حالی که از این بحران شوکه شده بودند ، با سیستم خود فاصله چندانی نداشته باشند.

امروز اوضاع فرق کرده است. سطح نارضایتی و بیگانگی با نئولیبرالیسم قبل از شروع ویروس کرونا در شمال کره جنوبی بسیار زیاد بود ، به دلیل عدم توانایی این نهاد در معکوس کردن کاهش سطح زندگی ، زیرا نابرابری در دهه مهیب پس از بحران مالی افزایش یافت. در ایالات متحده ، این دوره به عنوان زمان نجات بانک ها ، سلب مالکیت گسترده و بیکاری در سطح گسترده تلقی شده است. در بیشتر از کشورهای اروپا به ویژه در کشورهای جنوبی آن ، تجربه محبوب دهه اخیر را می توان در یک کلمه ثبت کرد: ریاضت اقتصادی. در بیشتر مناطق جهانی جنوبی ، بحران مزمن توسعه نیافتگی تحت سرمایه داری پیرامونی ، که از دهه «1980» با "اصلاحات" نئولیبرالی تشدید شده است ، مدتهاست که مشروعیت نهادهای اصلی جهانی سازی مانند بانک جهانی ، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی را خرد کرده است.

به طور خلاصه ، همه گیر ویروس کرونا ، در یک سیستم اقتصادی جهانی از هم اکنون بی ثبات ، که از یک بحران عمیق مشروعیت رنج می برد ، خرید یا به آه و ناله آمد. ادراک جمعی

از بی کفایتی نخبه حیرت انگیز ، به احساس رنجش و عصبانیت عمیق پیوسته پیوند داده است .

البته تاسیس جهانی یا نظم جهانی تلاش خواهد کرد تا "عادی قدیمی یا حالت نورمال گذشته" را بازگرداند. اما خشم بیش از حد ، کینه زیاد ، و ناامنی بیش از حد وجود دارد. که مداخلات گسترده مالی و پولی اخیر دولت های سرمایه داری ، اگرچه ناکافی است ، اما آنچه را که تحت سیستم دیگری با اولویت ها و ارزش های متفاوت امکان پذیر است ، برای مردم تأکید کرده است. نئولیبرالیسم در حال مرگ است؛ تنها سوال این است که آیا عبور آن یا روند مرگ آن سریع است یا کند؟

اما چه بعدی یا که بعداً چه ؟

فقط چپ و راست در این مسابقه رقیب جدی برای ایجاد سیستم دیگری هستند. مترقیان در طول چند دهه گذشته ایده های بسیار مهیجی را برای تحولی واقعاً سیستمی ارائه داده اند. اینها فراتر از **کینزی گرایی** تکنوکرات چپ جوزف استیگلیتز و پاول کروگمن هستند تا تغییرات ساختاری را بپذیرند. از جمله این گزینه های رادیکال می توان به " توافق نامه جدید سبز" ، سوسیالیسم دموکراتیک ، رشد اقتصادی ، حذف جهانی ، اکوفمیسیم (بومفمینیسم یا اکوفمینیسم **انگلیسی: Ecofeminism**) نگرشی بر مبنای احترام به طبیعت است که با تلفیق رویکردهای **فمینیسمی** و **بومشناختی** ، مخالف رفتارهای تهاجمی و از میان بردن طبیعت به بهانه سود و پیشرفت است ... ازویکی پدیا) ، حاکمیت مواد غذایی و بوین ویویر (زندگی خوب) اشاره کرد.

با این حال ، این استراتژی ها هنوز به توده ها یا کتله حیا تی در روی زمین ترجمه نشده اند. توضیح معمول برای این امر این است که مردم "برای پذیرش آنها آماده نیستند". شاید مهمتر اینکه اکثر مردم هنوز این جریانهای پویای چپ را با چپ میانه مرتبط می کنند. توده ها هنوز نمی توانند این استراتژی ها و مدافعان خود را از سوسیال دموکرات ها در اروپا و حزب دموکرات در ایالات متحده که می خواستند چهره ای "مترقی" برای سیستم نئولیبرال بی اعتبار ارائه دهند ، تشخیص دهند.

در قسمت جنوب جهانی ، رهبری یا مشارکت احزاب چپ در دولت های لیبرال دموکراتیک منجر به بی اعتبار شدن آنها در هنگام اتخاذ اقدامات ائتلاف های نئولیبرالی شد. "جزر و مد صورتی" در آمریکای لاتین با توجه به وابستگی به استخراج منابع ، دچار تناقضات خاص خود شد و کشورهای کمونیست در شرق آسیا به سیستم های سرمایه داری دولتی تبدیل شدند که با دوزیا مقدار بیشتر رشد ید نئولیبرالیسم تزریق شده بودند. کنسرت در شیلی ، حزب کارگران در برزیل ، چا ویسمو در ونزوئلا و به اصطلاح اجماع پکن اکنون به عنوان گسست از گذشته دیده می شد ، اکنون به عنوان بخشی از آن گذشته تلقی می شود.

اگر مترقیان بخواهند خشم و عصبانیت توده ای را که اکنون در حال جوشیدن است به یک نیروی آزاد کننده و مثبت تبدیل کنند ، باید پسیفیزم یا تنبلی را قاطعانه کنار بگذارند.

مزیت: دور راست یا [جناح راست افراطی یک حزب یا گروه

سیاسی]

متأسفانه ، راست افراطی برای استفاده از نارضایتی جهانی در بهترین موقعیت خود قرار دارد. حتی قبل از همه گیری یا پاندمی ویروس کرونا ، احزاب راست افراطی به طور فرصت طلبانه عناصر برنامه ضد نئولیبرالی چپ مستقل را انتخاب می کردند. آنها انتقاد از جهانی شدن ، گسترش "دولت رفاه" و مداخله بیشتر دولت در اقتصاد را به یک گشتالت (شکل و فورم) راست گرایانه تبدیل کردند. در اروپا ، احزاب رادیکال راست ، مانند جبهه ملی در فرانسه ، حزب مردم دانمارک ، حزب آزادی در اتریش و حزب فیدز در مجارستان ؛ بخش های از برنامه قدیمی نئولیبرال را کنار گذاشتند. آنها اعلام کردند که آنها برای دولت رفاه و محافظت بیشتر از اقتصاد در برابر مشارکت های بین المللی هستند ، اما منحصراً به نفع افرادی با "رنگ پوست مناسب" ، "فرهنگ مناسب" ، سهام "مناسب" قومی ، "دین درست" است. اساساً ، این فرمول قدیمی "ناسیونال سوسیالیست" شامل طبقه انحصارگرایانه اما از نظر نژادی و فرهنگی منحصر به فرد است. متأسفانه ، همانطور که توسط رشته های انتخاباتی راست افراطی که بخشهای بزرگی از طبقه کارگر سوسیال دموکراسی را سرقت کرده اند ، نشان می دهد.

در همین حال ، در بخش جنوب جهانی ، رهبران کاریزماتیک با جذابیت طبقاتی ، مانند رودریگو دوترته در فیلیپین و نارندرا مودی در هند ، نارضایتی خود را از رژیم های لیبرال دموکراتیک طولانی مدت ، که ساختارهای اجتماعی آنها به شدت نابرابر ادعاهای دموکراتیک آنها را نادیده گرفت ، برای پروژه های

اقتدار گرایانه مورد استفاده قرار دادند. صعود آنها احزاب مترقی به حاشیه رانده شده که یا با نئولیبرالیسم سازش کرده بودند، یا در پارادایم های طبقه بندی زندانی شده بودند، یا توسط دشمنی های فرقه ای ناتوان شده بودند. اکنون، با داشتن بهانه ویروس کرونا، این شخصیت های اقتدارگرا با تأیید بسیار زیاد مردم، سرکوبگرانه خود را در سیستم سیاسی تقویت کرده اند.

اما چپ را حساب نکنید

اگرچه احمقانه است که احتمال تجدید حیات چپ را کاهش دهد. تاریخ دارای یک جنبش دیالکتیکی پیچیده است که توسط تحولات غیر منتظره ای متوقف می شود و فرصت هایی را برای افراد جسور فراهم می کند تا از آنها استفاده کنند. اما تاریخ نیز از انجام دو اشتباه یکسان، بخشنده و تحمل کننده نیست. اگر مترقیان دوباره به سوسیال دموکرات های بی اعتبار در اروپا و دموکرات های میانه رو در ایالات متحده اجازه دهند سیاست مترقی را به مصالحه ای جدید با نئولیبرالیسم در حال مرگ بکشانند، پیاپی می تواند کشنده باشد.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

والدن بلو بنیانگذار و تحلیلگر ارشد فعلی بانکوک Focus on the South South و استاد الحاقی بین المللی جامعه شناسی در دانشگاه ایالتی نیویورک در بینگهامتون است. وی در سال 2003 جایزه درست معیشت را دریافت کرد، همچنین به عنوان جایزه

جایگزین نوبل نیز شناخته می شود و به عنوان برجسته برجسته
مطالعات بین المللی شناخته شد



----- **با تقدیم احترامات «2020-09-18»**

